

گفتگو با دکتر محمدحسین یمین (استاد دانشگاه کابل)

۵۵۷

در کابل؛ شهری که از تهاجم‌های مکرر برخوردار می‌لرزد و در تلاش دوباره زیستن است، به دانشگاه کابل، در اتاقی ساده، بی‌آلایش و بی‌تکبر به ملاقات استاد یمین رفتم. ایشان خود را این گونه معرفی کردند:

- در شهر پروان Parvan؛ مرکز استان چاریکار، در شمال کابل، به دنیا آمدم، تاکستانهای زیبا فضای شهر را به خود اختصاص داده‌اند. انگور این شهر معروف است و مهم‌ترین محصول این منطقه انواع انگور و کشمش است.

تا مقطع لیسانس، در افغانستان بوده‌ام و از دانشگاه کابل لیسانس گرفته، به تاجیکستان رفتم و دوره فوق لیسانس و دکترای را در دانشگاه دولتی تاجیکستان در رشته زبان‌شناسی گذراندم. اکنون استاد زبان و ادبیات در دانشگاه کابل هستم و در گروه زبان ادبیات فارسی دری و زبان‌شناسی فعالیت دارم.

- با توجه به آثارتان به نظر می‌رسد بیشتر در بخش زبان‌شناسی فعالیت داشته‌اید؟

- روی خمیریات و ساقی‌نامه‌ها کار کرده‌ام؛ موارد زیادی جمع‌آوری شده، ولی تا به حال منتشر نشده است. نیز ادبیات عامیانه پروان را که ولایت خود ماست، معرفی کرده‌ام.

- ادبیات عامیانه پروان چه ویژگی‌هایی دارد؟

- از نگاه فولکلور عام که ادبیات شفاهی را در بر می‌گیرد، موارد زیادی کار شده؛ مثل دوبیتی‌ها،

ضرب المثلها، بعضی اصطلاحات، افسانه‌ها کمتر کار شده، شگون‌ها که در پروان بسیار زیاد است. شگون نوعی فال است و هر کدام معنی خاصی دارد. مثلاً اگر پرنده سیاه و سفید بخواند، مسافر می‌آید. آب که بر زمین می‌ریزی، اگر پلق صدا کند، مهمان می‌آید.

این تنها اثر شما درباره فولکور است؟

- فولکور را در متون هم کار کرده‌ام؛ متون مولوی و سایرین....

با چه زبان‌هایی آشنایی دارید؟

- انگلیسی، روسی، گرامر اوستا، گرامر فارسی میانه. در مطالعه تاریخ تحول زبان چیزهای بسیاری یافتیم که خلاف نظر دانشمندان ایران است. مثلاً دریاقتم که فارسی میانه یک نام است، زبان فارسی میانه از بلخ نشأت گرفته و به ایران آمده، زبان فارسی با زبان پارسی ارتباط دارد و تا مدت زیادی زبان فارسی را پارسی، پهلوی می‌گفتند. دکتر معین در مقدمه فرهنگ خود نوشته که زبان فارسی در خراسان در عرض زبان پهلوی بوجود آمده، با مطالعه کتیبه‌های مختلف، ارتباطشان با زبان فارسی مشخص می‌شود.

- نظرتان درباره هجوم شتاب زده واژه‌های انگلیسی به زبان دری چیست؟

- ذهنیتی برای عدم گسترش برخی زبان‌ها وجود دارد. برخی ذهنیت‌های سیاسی وجود دارد. کلمات بسیار زیادی انگلیسی زبان را خراب می‌کند. ما در سمینارها گفته‌ایم و کوشش کردیم تا وزارت اطلاعات و فرهنگ و آکادمی جلوی آن را بگیرد. متأسفانه فعالیت‌ها بسیار ضعیف است. از طبقه دانشگاهی هم عده‌ای آن را رد می‌کنند. اگر بخواهیم بعضی کلمه‌ها را فارسی بسازیم، آن هم شاید درست نباشد، نمی‌شود بر زبان چیزی را تحمیل کرد؛ خودش انکشاف خود را می‌کند. بحث لهجه با زبان فرق می‌کند و متأسفانه کمتر به آن توجه می‌شود.

- سیر تحول زبان فارسی بدون توجه به ملیت، در ایران صورت گرفته، چرا از آن استفاده نمی‌کنید؟

- کلمات خواسته یا ناخواسته وارد می‌شوند. زبان قدرت نهفته داخلی دارد. در اینجا ذهنیت جلوگیری از انکشاف زبان وجود دارد. زبان با گسترش واژه غنی می‌شود.

- ادبیات افغانی با ادبیات معاصر دنیا چقدر فاصله دارد؟

- با وجود عدم دسترسی به منابع و ضعف بودجه نشر، ادبیات دنیا راه خود را در ادبیات افغانی پیدا کرده، تلاشی آغاز شده است، شخصیت‌هایی داریم که روی ادبیات معاصر دنیا کار می‌کنند.

- ادبیات ایران چگونه است؟

- چون جوانان ما در دوره جنگ به ایران رفتند، تحصیل کردند، در بازگشت دستاوردهایی از ادبیات به همراه آوردند. اینجا امکانات کمی وجود دارد، در حالی که پذیرش بین جوانان (چه

آنان که در ایران بوده‌اند، چه آنان که از طریق اینترنت ارتباط برقرار کردند) وجود دارد.
- ادبیات افغان تا چه حد پویاست و در راه همسو شدن با جریان‌های ادبی جهان؟
- تا حدی تلاش‌هایی می‌شود؟ کسانی بطور جدی کار می‌کنند. انجمن قلم اروپا داریم که فعال است. انجمن نویسندگان و دیگر نهادها داریم. اما روی مسایل روز اجتماعی و خاص ادبی کار نمی‌کنند بسیار ضعیف است. بسیار ضعیف.

- سبک هندی تا چه زمان در افغانستان ادامه داشته است؟ چرا؟
- هنوز ادامه دارد. چون تأثیرات عمیق داشته، آن را نگاه داشتند. تعداد زیادی از شاعران به سبک هندی (کلاسیک) شعر می‌گویند. نسل نو، شعر کلاسیک و هم نو می‌گویند. از شعرهای نو نیمایی - سپهری و دیگران تقلید می‌کنند.

- نقش و مقام بیدل در ادبیات افغانی و نیز میان مردم چیست؟
- فردوسی و بیدل هر کدام تأثیرات خود را دارند. تأثیرات تاریخی دارند. در شب‌های زمستان، مردم در هر کوچه، محفلی داشتند و شاهنامه خوانی می‌کردند که تا امروز ادامه دارد. مردم به بیدل هم بسیار علاقه‌مندند. تأثیرات عرفانی و عمیق هنر تصویرسازی در شعر بیدل زیاد است. هم چنان در جوامع عرفانی اشعار بیدل را می‌خوانند به صورت خودجوش جلساتی تشکیل می‌دهند و بیدل خوانی دارند.

به نظر می‌رسد در افغانستان توجه به شعر بیشتر از داستان است، چرا؟
- داستان تکنیک خاص دارد. هرکسی به آن احاطه ندارد. در دانشگاه بخش خاصی که ما بتوانیم داستان را احیا کنیم، نیست. در دانشگاه بخش زبان‌شناسی و ادبیات‌شناسی یکی است. امکانات نیست. کسانی که به داستان نویسی روی می‌آورند، حرفه‌ای نیستند، به صورت تقلیدی و شخصی کار می‌کنند. زمینه آموزشی علمی مهیا نیست.

پاییز ۱۳۸۶

مشترکین ارجمند مجله بخارا

بهای اشتراک سال ۱۳۸۶ را هرچه زودتر مرحمت کنید